

ویرجینیا وولف

# به سوی فانوس دریایی

ترجمه

خجسته کیهان



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۵۲

## فهرست

پیشگفتار ..... ۷

بخش اول:

پنجره ..... ۱۹

بخش دوم:

زمان می گذرد ..... ۱۶۵

بخش سوم:

فانوس دریایی ..... ۱۸۷

## پیشگفتار

لیلی بریسکوی نقاش، زنی نه‌چندان معقول که در کاربرد واژه‌ها و دستور زبان ناشی است، وقتی به گذشته بازمی‌گردد، اگرچه تجربه‌ای را که ویرجینیا وولف در رمان به‌سوی فانوس دریایی آشکار می‌سازد بیان‌ناپذیر می‌داند، اما چنین از آن یاد می‌کند: «هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را به کسی بگوید.» با این حال تلاش هنرمند و حتی حس شکستش که از وقوف به گستردگی کار ناشی می‌شود، به بلندپروازی و در عین حال فروتنی در کار هنری یاری می‌بخشد. حال و هوای این رمان مثل یک تعطیلات خانوادگی در عین حال شاد و غمگین است و در قالب همان خانواده بیان می‌شود، ولی حس مصیبتی در آن جاری است که در قالب مبارزه هر فرد برای زنده ماندن، تأکید بر فردیت و اشتیاق برای عشق بی‌قید و شرط به تعادل می‌رسد. علم و منطق که مردان قهرمانان آنند، بر اثر احساسات غریزی زنان و هنر به چالش کشیده می‌شود و با موسیقی خاطرات، و قطعاتی از اشعار یا بروز ناگهانی احساسات همراه می‌گردد. ویرجینیا وولف با کاربرد تکنیک جریان سیال ذهن، چشم‌اندازی صمیمانه به رمان بخشیده و به این وسیله، افکار، احساسات و مشاهدات فوری ناشی از تجربیات انسانی شخصیت‌ها را بیان می‌کند، اما مسائلی که مطرح می‌شوند از تجربه‌ی فردی فراتر می‌روند و فلسفه، روان‌شناسی و جنسیت را نیز دربر می‌گیرند.

به دور از زندگی عادی، در یک فضای داستانی در منطقه‌ی هبرید<sup>۱</sup> (که اشاره‌ای است به تعطیلات دوران کودکی وولف در سنت ایوز) خانواده‌ی رمزی و مهمانانشان - گروهی از روشنفکران طبقه‌ی متوسط لندن - به مثابه نمونه‌هایی از آدم‌های آن دوران و ذهنیت و آگاهی حاکم بر آنها به نظر می‌رسند. در نیمه‌ی نخست رمان یک روز عادی تعطیلات تا هنگام خواب شخصیت‌ها روایت می‌شود، اما ناگهان با دگرگونی متن روبرو می‌شویم، به طوری که فاصله‌ی زمانی ده‌ساله‌ای در سیزده صفحه خلاصه می‌گردد. جنگ جهانی اول، مرگ خانم رمزی و دو فرزندش پس از رسیدن به بزرگسالی، متروک شدن خانه‌ای که تعطیلات را در آن می‌گذراندند همگی با اهمیتی مشابه و حالتی گذرا در نثر شاعرانه‌ی بخش «زمان می‌گذرد» گنجانده شده است. در بخش سوم بازماندگان بار دیگر گرد هم می‌آیند و سفر به فانوس دریایی را آغاز می‌کنند. لیلی بریسکو تابلویی را که قبلاً رها کرده بود، بازمی‌یابد و بر مشکلات مربوط به رنگ، حجم و خط پیروز می‌شود. و هنگامی که نقاشی پایان می‌یابد: «با خستگی تمام قلم‌مو را پایین گذاشت و فکر کرد بله، من هم تصویر خیالی‌ام را دیدم.»

اما رمان به سوی فانوس دریایی درباره‌ی چیست؟ زندگی، مرگ و خانم رمزی مسائل اصلی‌اند و فانوس دریایی که در دریا منزوی است و به فواصل مرتب پرتو می‌افکند، تصویر نیرومندی است. اما در این اثر «رویداد» (حتی مهم‌ترین رویدادها مانند تولد، مرگ یا تاریخ کشور هنگام جنگ)، «شخصیت»، «تم» و نماد برای تبیین و تفسیر کافی نیستند. ویرجینیا وولف وقتی طرح رمان را می‌ریخت از این عناصر به‌طور فشرده نام برد: «این بخش کوتاه خواهد بود: شخصیت پدر باید کامل باشد.

۱. Hebrides از جزایر ساحل غربی اسکاتلند

همچنین شخصیت مادر و سنت آیوز و بچه‌ها و همه‌ی چیزهای عادی که می‌کوشم در رمان‌هایم قرار دهم - زندگی، مرگ و غیره (۱۴ مه ۱۹۲۵ - یادداشت‌های ویرجینیا وولف - جلد سوم، صفحه‌ی ۱۸). دو ماه بعد به امکان وجود «شاخه‌ها و ریشه‌هایی که هنوز مشاهده نکرده‌ام» اشاره کرد. اما آنچه نظرش را جلب می‌کرد چیز دیگری بود: «به تشویق دوستانم به آن چیز غیرشخصی می‌پردازم: گذشت زمان و در نتیجه شکست انسجام در طرح اولیه. این گذار (به نظرم کتاب دارای سه بخش خواهد بود) برایم بسیار جذاب است.»

گذار از موضوع خانواده، پدر به‌عنوان شخصیت اصلی، و مادر در مکان و زمانی که به خاطرات نویسنده مربوط می‌شود» نمایانگر مدرن بودن «به سوی فانوس دریایی» است. شاید این طرح برای وولف انگیزه‌ی روانی داشته و عصیان نوجوانی‌اش در برابر جامعه‌ی پدرسالار آن زمان به آن دامن زده است. با این حال آن‌چه به زندگی شخصی نویسنده مربوط می‌شود بعداً به تغییرات فرهنگی گسترده‌تری می‌پیوندد، به طوری که با گذشت زمان شاهد تغییر معیارها و ارزش‌ها و رسیدن به امکانات نوینی به‌ویژه برای زنان هستیم. امکاناتی که نیازمند فرم‌ها، ریتم‌ها و شیوه‌های بیانی تازه‌ای هستند. جاذبه‌ی اثر وولف به‌خاطر بار ایده‌ها، احساسات و واژه‌ها نیز هست. از جمله در این رمان هنر نه منزله‌ی مقوله‌ای ایستا، بلکه زمینه‌ای پویا به‌شمار می‌آید. هدف انقلابی این رمان تنها خاطره‌گویی نیست، بلکه به استقبال لحظه‌ی بودن می‌رود و تجربه را پیش از آشکار شدن، پی می‌گیرد. در سراسر متن، لیلی بریسکو به پیشباز «زندگی، آن دشمن قدیمی» می‌رود.

ویرجینیا وولف که در سال ۱۸۸۲ به دنیا آمد، دختر لسلی استیفن، یکی از نویسندگان برجسته‌ی عهد ملکه‌ی ویکتوریا و همسر دوم او، بیوه‌زن